

به نام خدا

# تحلیل ساختار سوره مبارکه فتح با رویکرد معناشناسی

مؤلف :

فریده محمدزاده شهرآبادی

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)  
۱۴۰۱

نام کتاب : تحلیل ساختار سوره مبارکه فتح با رویکرد معناشناسی  
مؤلف : فریده محمد زاده شهرآبادی  
ناشر : ارسطو ( سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران )  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر  
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۱  
چاپ : مدیران  
قیمت : ۱۶۰۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۹۲۰-۰  
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



تقدیم به ساحت مقدس امام عصر، حضرت صاحب‌الزمان (عج) و مادر گرامی‌شان  
حضرت صدیقه طاهره (ع).

تقدیم به مهربان فرشتگانی که:

لحظات ناب باور بودن، لذت و غرور دانستن، جسارت خواستن، عظمت رسیدن و  
تمام تجربه های یکتا و زیبای زندگی، مدیون حضور سبز آنهاست  
تقدیم به خانواده عزیزم.

و تقدیم به :

تمام آزاد مردانی که نیک می اندیشند و عقل و منطق را پیشه خود نموده و جز  
رضای الهی و پیشرفت و سعادت جامعه، هدفی ندارند.

سپاس و ستایش مر خدای را جل و جلاله که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب تار، درفشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید.

نمی توانم معنایی بالاتر از تقدیر و تشکر بر زبانم جاری سازم و سپاس خود را در وصف استادان خویش آشکار نمایم، که هر چه گویم و سرایم، کم گفته ام. با تقدیر و تشکر ویژه از راهنمایی‌های ارزنده‌ی سرکار خانم دکتر عاطفه زرسازان و نیز اساتید محترم جناب آقای دکتر مجید معارف و سرکار خانم دکتر نسیم عربی.

سپاس خدای را که هر چه دارم از اوست،

به امید آنکه توفیق یابم جز خدمت به خلق او نکوشم.

# فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	پیشگفتار.....
۱۳	مقدمه.....
۱۹	فصل اول: کلیات و مفاهیم.....
۱۹	بخش اول: کلیات.....
۱۹	تبيين مسئله.....
۲۱	اهمیت و ضرورت موضوع.....
۲۲	اهداف.....
۲۲	سؤال ها.....
۲۲	فرضیه ها.....
۲۴	بخش دوم: مفهوم شناسی.....
۲۴	معنا شناسی.....
۲۹	معناشناسی در زمانی.....
۲۹	معناشناسی هم زمانی.....
۳۰	انواع روشهای معناشناسی همزمانی.....
۳۴	ساختارشناسی.....
۳۷	وحدت غرض.....

انواع سبک های نمایشی ساختار سوره ها ..... ۵۰

## فصل دوم: بافت برون کلامی سوره فتح ..... ۶۳

فضای عمومی حاکم بر سوره ..... ۶۴

وقایع تاریخی سوره فتح ..... ۶۸

فضای خاص نزول سوره فتح ..... ۷۳

مدنی بودن سوره فتح ..... ۸۱

فضیلت سوره ..... ۸۲

نام سوره ..... ۸۵

جمع بندی ..... ۸۷

## فصل سوم: بافت درون کلامی سوره فتح ..... ۹۱

واژگان کلیدی ..... ۹۱

فتح ..... ۹۲

جدول همنشینهای کلیدواژه فتح ..... ۹۴

بررسی روابط همنشینی مکملی فتح ..... ۹۴

بررسی معنای «فتح» بر محور جانشینی ..... ۱۰۳

فتح ..... ۱۰۶

جمع بندی ..... ۱۰۶

الله ..... ۱۰۷

جدول همنشینهای کلیدواژه «الله» ..... ۱۱۰

- ۱۱۱..... بررسی روابط همنشینی مکملی الله
- ۱۵۷..... بررسی روابط همنشینی اشتدادی الله
- ۱۶۳..... بررسی معنای «الله» بر محور جانشینی
- ۱۷۰..... معرفی
- ۱۷۱..... شئون الوهیت نسبت به مؤمنان
- ۱۷۲..... وظایف مردم در قبال الله
- ۱۷۳..... شئون الوهیت در قبال منافقان و مشرکان
- ۱۷۴..... جمع بندی
- ۱۷۶..... ایمان
- ۱۷۹..... جدول همنشینهای کلیدواژه ایمان
- ۱۸۰..... بررسی روابط همنشینی مکملی ایمان
- ۱۹۰..... بررسی روابط همنشینی اشتدادی ایمان
- ۱۹۹..... بررسی معنای «ایمان» بر محور جانشینی
- ۲۰۶..... بررسی روابط همنشینی تقابلی ایمان
- ۲۱۵..... جمع بندی
- ۲۱۸..... جدول همنشینهای کلیدواژه رسول
- ۲۱۸..... بررسی روابط همنشینی مکملی رسول
- ۲۴۴..... بررسی روابط همنشینی اشتدادی رسالت
- ۲۴۸..... بررسی معنای «رسول» بر محور جانشینی
- ۲۶۰..... جمع بندی

- سکینه ..... ۲۶۱
- جدول همنشینهای کلیدواژه سکینه ..... ۲۶۲
- بررسی روابط همنشینی مکملی سکینه ..... ۲۶۳
- بررسی معنای سکینه بر محور جانشینی ..... ۲۷۴
- بررسی روابط همنشینی تقابلی سکینه ..... ۲۸۰
- سکینه ..... ۲۸۴
- جمع بندی ..... ۲۸۵
- جدول همنشینهای مُخَلَّفُون ..... ۲۸۸
- بررسی روابط همنشینی مکملی مُخَلَّفُون ..... ۲۸۸
- بررسی روابط همنشینی اشتدادی مخلفون ..... ۲۹۷
- بررسی روابط همنشینی تقابلی مخلفون ..... ۳۰۷
- جمع بندی ..... ۳۱۰
- عذاب ..... ۳۱۰
- جدول همنشینهای عذاب ..... ۳۱۵
- بررسی روابط همنشینی مکملی عذاب ..... ۳۱۶
- بررسی معنای عذاب بر محور جانشینی ..... ۳۲۵
- بررسی روابط همنشینی تقابلی عذاب ..... ۳۳۶
- جمع بندی ..... ۳۴۴
- جدول جمع بندی معناشناسی واژگان کلیدی ..... ۳۴۵
- سیاق یا راهبرد کلی سوره ..... ۳۴۹



- دسته بندی آیات سوره فتح ..... ۳۵۵
- شناسایی عنوان گفتارهای سوره ..... ۳۷۵
- جمع بندی ..... ۳۷۸
- کشف غرض سوره با توجه به بافت درون کلامی ..... ۳۷۸
- تحلیل ساختار سوره فتح با توجه به معناشناسی کلیدواژگان ..... ۳۷۹
- نتیجه ..... ۳۸۶
- یافته ها ..... ۳۸۸
- کتابنامه ..... ۳۹۱



## پیشگفتار

بحث پیوستگی و تناسب میان آیات و سور قرآن، از دیرباز مورد توجه علمای علوم قرآنی و مفسران قرار گرفته، به مرور زمان توسعه یافته و از محدوده ارتباط میان آیات فراتر رفته و به غرض سوره و به دنبال آن به پیوستگی نظام‌دار و ارگانیک میان واژگان قرآن که بیان‌گر نظم منطقی می‌باشند، اطلاق گردید. یکی از راه‌های یافتن غرض سوره، یافتن واژگان کلیدی و معنای آنهاست و از آنجا که معناشناسی یکی از روش‌های نوین در مطالعات قرآنی است که کار کشف ساز و کارهای معنا را با مطالعه علمی بر عهده دارد، لذا می‌تواند در یافتن غرض اصلی سوره‌های قرآن مفید واقع شود. پژوهش حاضر با توجه به بافت برون‌کلامی و نیز بافت درون‌کلامی سوره، غرض سوره را مشخص کرده، سپس به ارائه ساختار نظام‌مندی از سوره فتح بر اساس غرض اصلی سوره پرداخته‌است. بر اساس بافت برون‌کلامی سوره که شامل فضای عمومی و فضای خصوصی نزول سوره، نام سوره و فضایل سوره می‌باشد، مشخص گردید سوره فتح سوره‌ای مدنی است که در شأن حدیبیه نازل شده و سبب نزول آن خواب رسول‌الله (ص) درباره امر خداوند به دخول به مسجد-الحرام و طواف همراه با مسلمانان و وقایع پس از آن بوده‌است. با عنایت به بافت بیرونی کلام غرض سوره چنین به دست آمد: جنگ و صلح برای مؤمنان هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدف و آرمان‌های مکتبی می‌باشد و تشخیص آن به عهده فردی

است که در نقش رسول یا جانشینان او می‌باشد و اطاعت از چنین فردی است که جامعه اسلامی را به پیروزی در دنیا و آخرت رهنمون می‌سازد. در بافت درون کلامی سوره به معناشناسی کلیدواژگان و بررسی سیاق آیات پرداخته شد. با مشخص کردن واژگان پر بسامد سوره شامل الله، فتح، ایمان، رسول، سکینه، مخلفون و عذاب، با عنایت به روابط همنشینی و جانشینی کلیدواژگان، غرض سوره چنین حاصل شد: در صورتی که مؤمنان دارای ایمان واقعی به خداوند، نیت خالص و اعمال نیک بوده و از همه اوامر الهی و رسولانش (یا ولیان امر خدا) تبعیت نمایند، خداوند با نزول انواع لشکریان غیبی در مواقع خطر به آنان یاری رسانده و به پیروزی بزرگ در این دنیا و بهشت در جهان آخرت نائل می‌سازد. در صورت تمرد مؤمنان که ناشی از ضعف ایمان یا نادانی باشد، خداوند با دعوت به جهادی سخت‌تر، فرصت دیگری از آزمایش الهی به آنها می‌دهد، در صورت اجابت مستحق اجر الهی می‌شوند و در صورت تمرد، سزاوار آتش سوزان جهنم. اما منافقان، مشرکان، روی گردانان از اطاعت امر خداوند و رسول و کافرانی که مانع سبیل الله می‌شوند، به شرطی که مسلمانان در میان‌شان نباشند، به انواع دردهای دنیوی و اخروی دچار می‌شوند. بر اساس سیاق آیات یا راهبرد کلی سوره نیز، سوره فتح به هفت گفتار معنایی تقسیم شد و غرض اصلی سوره چنین معلوم گردید: حکمت‌ها و دستاوردهای صلح حدیبیه، نشانه ضرورت پیروی کامل مسلمانان از رسول الله (ص) است. لذا در مجموع و با توجه به ماحصل بررسی بافت بیرونی و درونی سوره فتح، غرض اصلی سوره چنین دریافت گردید: خداوند متعال در این سوره بر محور معنایی صلح حدیبیه و وقایع مربوط به آن، راهبردهای کلیدی جهت اعتلای دین اسلام بر سایر ادیان جهان را به مسلمانان گوشزد می‌نماید.

## مقدمه

عادت بشری و نظم و ترتیبی که نویسندگان در کتاب‌های خود رعایت می‌کنند چنین است که اجزای هر نوشته به تناسب موضوع، زیر هم قرار می‌گیرند و زمان و ضمایر مربوط به آن، معمولاً ثابت می‌ماند. خوانندگان نیز برای سهولت فهم مطالب علاقمندند که مطالب و نوشته‌ها حتی‌المقدور فضا‌بندی شده و در یک روال مشخص ادامه یابند، اما در قرآن بر خلاف انتظار، چنین نظم‌ی رعایت نشده‌است، نه تنها موضوعات مرتب تغییر می‌کنند، بلکه مخاطب‌ها، ضمایر و زمان‌ها نیز دائماً جابجا می‌شوند. مثلاً در یک فراز تاریخی مربوط به اقوام و انبیاء گذشته، ناگهان بحث قیامت مطرح می‌شود و از آن به قضیه خلقت آدم منتقل می‌گردد و پس از چند آیه، مشرکان معاصر رسول‌الله (ص) مورد خطاب قرار می‌گیرند. هم زمان در گذشته و حال و آینده نوسان می‌کند و هم ضمایر در مخاطب و متکلم و غائب و جمع و مفرد. شاید به همین دلیل، کسانی که برای اولین بار قرآن می‌خوانند، به‌خصوص اگر آشنایی کافی با فرهنگ و زبان عربی نداشته‌باشند، با ابهامات و اشکالاتی مواجه می‌شوند که پاسخ قانع‌کننده‌ای برای آن‌ها دریافت نمی‌کنند. این سبک مخصوص قرآن است که به کلی نگارش و ادبیاتش با شیوه‌های بشری تفاوت دارد، نه اینکه بی‌نظم و ترتیب باشد، بلکه نظم دیگری دارد که باید آن‌را درک نمود. ما که محکوم در زمان و مکان هستیم، مسائل و موضوعات را جدای از هم و مستقل انگاشته و ارتباط ارگانیک پدیده‌های عالم را که همه

مخلوق یک پروردگار هستند درک نمی‌کنیم، اما قرآن که کلام رب العالمین است، داستان خلقت آدم و سجده ملائکه را در کنار مسئله قیامت و معتقدات شرک‌آمیز معاصران رسول الله (ص) مطرح می‌سازد و اصراری ندارد همه‌ی اجزای مربوط به یک موضوع را در یک سوره زیر هم قرار دهد.

مسلمانان در طول چهارده قرن گذشته اهتمام فراوانی به حفظ و تحلیل علمی آیات قرآن داشته‌اند. آن‌ها برای فهم آیات، تحقیقات بسیاری را در علوم ادبی و لغت انجام دادند و دانش‌های گوناگونی را که در تفسیر کلام خدا مورد نیاز بود تدوین کردند و به تدریج گسترش دادند، هم‌چون علم نحو، بلاغت و تفسیر. قدمت این علوم به عصر نزول باز می‌گردد و تا به امروز ادامه دارد. بحث نظم قرآن از سوی قرآن‌پژوهان و مفسران پیشین، از دریچه تناسب و ارتباط آیات مد نظر قرار می‌گرفت و هر محققى که از دریچه تناسب آیات به سوره‌های قرآن نگریسته و ارتباط آنها را در مجموع سوره درک کرده‌است، با شور و شغف بسیاری از اهمیت والای این علم سخن گفته‌است. نشانه‌های این رویکرد در قرن هفتم هجری در تفسیر «مفاتیح‌الغیب» به چشم می‌خورد. در قرن نهم هجری گرایش و اهتمام ویژه مفسران به تناسب آیات به اوج خود رسید و در نتیجه مقاصد سوره‌ها نیز به کانون توجه آنان راه یافت. بقاعی (د. ۸۸۵ ه ق) در تفسیر «نظم‌الدرر فی تناسب‌الآیات والسور» نخستین کسی است که به اهداف سوره‌ها با نگرش امروزی پرداخته‌است.

قرآن‌پژوهان متأخر ضمن تأکید بر روابط آیات، آن را از منظر جدیدی نگریسته و اعلام کرده‌اند که هر سوره دارای محور و غرض واحد یا اغراضی است که در نشان دادن به هم-پیوستگی آیات نقش به‌سزایی دارد و اولین وظیفه هر مفسر پیش از ورود به تفسیر آیات، به دست آوردن و کشف روح حاکم بر سوره‌هاست، تا در پرتو قرآن بتواند به مقاصد و جزئیات سوره دست یابد. با شروع قرن چهاردهم هجری تحوّل شگرف در روش‌های تفسیری و سبک‌های تفسیرنگاری مسلمانان پدید آمد و با نگارش تفسیر «المنار»، توجه

جدی به غرض سوره‌ها و تأکید بر این که هدف هر سوره باید اساس فهم آیات تلقی گردد، آغاز شد. علامه طباطبایی نیز بر این نکته اصرار دارد که هر سوره تنها مجموعه‌ای از آیات پراکنده و بی‌ارتباط نیست، بلکه وحدتی فراگیر بر هر سوره حاکم است که پیوستگی آیات را می‌رساند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص: ۱۴). مفسرانی که به این روش در تفسیر قرآن و فهم مقاصد آن گرایش دارند در کتاب‌های خود تلاش کرده‌اند بخشی از قرآن یا همه آن را از این نگرش به نمودار کشند. آنان برای هر سوره مقدمه، مقاصد و خاتمه در نظر گرفته و سعی کرده‌اند محتوای هر سوره و آیات به ظاهر پراکنده را در این چهارچوب قرار دهند. از این جمله می‌توان به تلاش‌های سید قطب (د. ۱۳۸۷ ه ق) در تفسیر «فی ظلال القرآن»، سعید حوئی (د. ۱۴۰۹ ه ق) در «الاساس فی التفسیر»، سید محمدباقر حجتی و بی‌آزار شیرازی در «تفسیر کاشف»، محمد رشیدرضا (د. ۱۳۵۴ ه ق) در «المنار» و عبدالله محمود شحاته (د. ۱۴۲۳ق) در کتاب «اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن الکریم» اشاره کرد.

همه‌ی قرآن‌پژوهان و مفسرانی که به وحدت غرض سور معتقدند، بر این نکته پای می‌فشارند که چنین وحدتی نه تنها در سوره‌های کوچک یا متوسط قرآن، بلکه در سوره‌های بزرگ نیز حاکم است. البته منظور از وحدت غرض سوره‌ها این نیست که هر غرض فقط در یک سوره مطرح شده‌است و سوره‌های دیگر درباره آن هیچ سخنی ندارند و این‌گونه نیست که هر فصل مشتمل بر مباحثی است که سایر فصول از آن خالی است. خلاصه آنکه نمی‌توانیم سوره‌های قرآن را به مثابه فصول مختلف قرآن به حساب آوریم؛ به عبارت دیگر، وحدت غرض سوره‌ها تنها بر این نکته تأکید دارد که آیات به ظاهر پراکنده هر سوره، یک هدف مشخص را دنبال می‌کنند و در پرتو آن، از نظمی معجزه‌آسا و ارتباط سازوار و منطقی برخوردار می‌شوند (خامه‌گر، ۱۳۸۱ش، صص: ۲۰۶-۲۷۱). از این رو ساختارشناسی سوره از مباحث جدید در حوزه علوم قرآنی است. با این بیان که هر سوره دارای ساختاری خاص است و میان آیات، موضوعات و عناصر آن ارتباط وجود دارد، به

طوری که ایجاد کوچک‌ترین تغییر در آن‌ها، به یک پارچگی ساختار سوره لطمه وارد می‌کند. نکته قابل ذکر آنکه یکی از اصول نگاه ساختارشناسانه به سوره‌های قرآن، اعتقاد به وحدت غرض سوره‌های قرآن و از مبانی این باور، اعتقاد به توقیفی بودن ترتیب آیات است، بدین سبب موافقان این رویکرد بر آن شدند تا برای کشف غرض سوره روش‌هایی چون بررسی سیاق، اسم سوره، فضای نزول سوره، شأن نزول آیات و سوره، مکی یا مدنی بودن سوره، واژه‌های کلیدی سوره و فضائل و خواص سوره (رک: همو، ۱۳۸۶ش، صص: ۱۱۹-۱۵۹) را معرفی نمایند که در این پژوهش سیاق و واژگان کلیدی سوره با عنوان بافت درون کلامی سوره و فضای عمومی و خصوصی سوره و فضیلت و نام آن، در قالب بافت برون کلامی سوره نام‌گذاری شده‌است.

از سوی دیگر، در عصر حاضر و به خصوص دهه اخیر، توجه به قرآن از منظر علوم جدید از جمله زبان‌شناسی نیز رو به رشد است. زبان‌شناسی و رشته‌های مرتبط با آن در قرن بیستم، پیشرفت چشم‌گیری داشته‌اند. از این رو، توجه به دستاوردهای زبان‌شناسی و حوزه‌های مجاور آن، امری اجتناب‌ناپذیر در مطالعات دینی است. توجه به قرآن از چهارچوب این علم، زمینه‌های نو و بدیعی را در حوزه پژوهش‌های قرآنی ایجاد کرده‌است. یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی، دانش معناشناسی است که می‌توان در تحلیل معنای آیات قرآن، آن را به کار گرفت. سرآغاز این موضوع به مباحث معناشناسی قرآنی / *یزوتسو* (د. ۱۹۹۳ م) برمی‌گردد که نخستین بار الگویی از معناشناسی ساختگرایی واژگانی را به حوزه مطالعات قرآنی وارد کرد. روش پیشنهادی وی از سوی قرآن‌پژوهان مورد استقبال قرار گرفت و آثار متعددی بر پایه این روش در جهان اسلام شکل گرفت، چنانکه توجه به قرآن از چهارچوب این علم، زمینه‌های نو و بدیعی را در حوزه پژوهش‌های قرآنی ایجاد کرده‌است. زبان‌شناسی ساخت‌گرا که با ظهور نظریه‌های فردیناند دوسوسور (د. ۱۹۱۳ م) پا به میدان نظریه‌پردازی گذاشت و بر تحلیل ساختار متن ادبی تأکید داشت، از جمله عرصه‌های جدید در



پردازش متن قرآن محسوب می‌شود. روش ساختارگرایی در تحلیل متن ادبی، بررسی هر پدیده در متن در ارتباط با مجموعه پدیده‌های دیگر است؛ به عبارتی، پدیده‌ها در متن به صورت مستقل و جداگانه هیچ‌اند و اصالت هر پدیده با پیوستن به پدیده‌های دیگر است (بالایی و کریستف، ۱۳۷۸ش، ص: ۲۶۷).

یکی از زیرشاخه‌های زبان‌شناسی، دانش معناشناسی است که می‌توان در تحلیل معنای آیات قرآن، آن‌را به کار گرفت. برای شناخت معنای دقیق یک واژه در بافت زبانی، باید آن را با توجه به روابط درونی بین عناصر زبانی، در دو زمینه‌ی روابط همنشینی و روابط جانشینی مطالعه کرد (باقری، ۱۳۷۸ش، ص: ۱۹۸). همنشینی معنایی پدیده‌ای است که سبب انتقال معنایی واحدهای هم‌نشین با یکدیگر می‌شود که این انتقال می‌تواند به حدی برسد که یک واحد، مفهوم واحد مجاور خود را دربرگیرد و حضور آن واحد مجاور را حشو کند؛ در چنین شرایطی کاهش معنایی واژه‌ی هم‌نشین به اندازه‌ای است که می‌تواند سبب حذف صورت آن واحد شود (صفوی، ۱۳۷۸ش، صص: ۲۴۶-۲۴۸)؛ بدین ترتیب، بارهای معنایی هر واژه درون نظام زبانی گسترش می‌یابد و به‌طور مرتب در ارتباط با عناصر دیگر، مفاهیم و معانی متعددی ارائه می‌کند (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۷۳ش، ص: ۳۳). رابطه‌ی جانشینی، رابطه‌ی موجود بین واحدهایی به شمار می‌رود که به‌جای هم انتخاب می‌شوند و در همان سطح، واحد تازه‌ای پدید می‌آورند (صفوی، ۱۳۷۸ش، ص: ۲۸). لذا از آنجا که علم معناشناسی به استخراج معانی نهفته در متن با روشی علمی می‌پردازد و از سوی دیگر موقعیت کلمات و کمیت آماری آنها در سوره می‌تواند مبنایی برای شناخت بهتر غرض سوره واقع گردد، پژوهش حاضر برای شناخت معنای دقیق واژگان پربسامد و کلیدی سوره فتح به منظور یافتن غرض سوره با رویکرد معناشناسی به این مهم پرداخته‌است.

با عنایت به مطالب مذکور، این کتاب از سه فصل تشکیل شده‌است. در فصل اول پس از بیان کلیات، مفاهیم معناشناسی، ساختارشناسی، وحدت غرض و انواع روش‌های

ساختارشناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در فصل دوم به منظور آشنایی و نزدیک شدن به محدوده غرض سوره، بافت بیرونی سوره یعنی فضای عمومی و فضای خصوصی سوره، مدنی بودن، فضیلت و نام سوره مورد مذاقه قرار می‌گیرد. در فصل سوم برای دست-یابی به غرض اصلی سوره، بافت درونی کلام یعنی کلیدواژگان سوره و سیاق آیات مورد پژوهش قرار می‌گیرد. به این ترتیب که پس از مشخص کردن واژگان پربسامد سوره با عنایت به روابط همنشینی مکملی و اشتدادی و تقابلی این واژگان در سوره و بررسی جانشینان آنها در کل قرآن، در نهایت به تبیین معنای واژه پرداخته شده است. لازم به ذکر است با عنایت به علم معناشناسی در روابط جانیشینی و تقابلی، گاهی واژه‌ای یافت نشده است. سپس سیاق آیات بر مبنای توجه به پیوستگی لفظی و معنایی آیات، مورد تحقیق قرار گرفته و با دقت و توجه به یافته‌های هر دو بخش، غرض اصلی سوره به دست می‌آید. این نکته نیز از نظر دور نمی‌ماند که غرض دریافت شده باید یافته‌های حاصل از بافت برون کلامی سوره نیز مطابقت و همخوانی داشته باشد. سپس ساختار سوره با نظر داشت غرض اصلی سوره تنظیم شده و به شکل نمودار درختی ترسیم می‌گردد.

# فصل اول: کلیات و مفاهیم

## بخش اول: کلیات

### تبیین مسئله

یکی از مباحث برجسته علوم قرآنی، مسأله تناسب و پیوستگی آیات است که از زیرشاخه‌های علوم قرآنی بوده و از دیرباز مورد توجه مفسران و اندیشمندان این حوزه قرار گرفته است. علم مناسبیت که بر پایه توقیفی بودن چینش آیات قرآن استوار گردیده، به مرور زمان توسعه یافته و از محدوده‌ی ارتباط میان آیات فراتر رفته و به غرض سوره و به دنبال آن به پیوستگی نظام‌دار و ارگانیک میان واژگان قرآن که بیان‌گر نظم منطقی می‌باشند، اطلاق گردید. به این معنا که هر دسته آیات به لحاظ تناسب درونی و ارتباط نزدیکی که با یکدیگر دارند، ذیل یک محور فرعی قرار می‌گیرند. این محورها در یک نکته‌ی اساسی که هدف اصلی سوره را تشکیل می‌دهد، مشترکند. به گونه‌ای که بتوان در یک نمودار

درختی همه آیات را از طریق محورها و عناوین فرعی به یک عنوان و موضوع اصلی متصل نمود.

«ساختارشناسی هندسی سوره‌ها» یکی از روش‌های جدید در مطالعات قرآنی است که با کشف روابط بین آیات، سازمان‌دهی آن‌ها در یک طرح کلی و تحت اشراف یک غرض واحد، یکی از اسلوب‌های بیانی قرآن را به نمایش می‌گذارد. نظریه ساختار هندسی سوره‌ها بدون این‌که قرآن کریم را از سبک و اسلوب ویژه‌اش خارج سازد و یا جنبه هدایتی آن را تضعیف کند، گام مهمی برای فهم مقاصد قرآن و ترسیم اهداف آن برمی‌دارد و انسجام درونی و معجزه‌آسای سوره‌ها را نشان می‌دهد (خامه‌گر، ۱۳۸۶ش، ص: ۱۰۶). روش‌های گوناگونی برای کشف غرض سوره برشمرده شده‌است، ابزارهایی هم‌چون سیاق آیات، واژه‌های کلیدی، فضایل سوره، اسم سوره، آیات آغازین و پایانی سوره، اسماء‌الحسنی و ارتباط با سوره قبل.

معناشناسی نیز یکی از روش‌های نوین در مطالعات قرآنی است که به استخراج معنای نهفته در متن می‌پردازد و کار کشف سازوکارهای معنا را با مطالعه علمی بر عهده دارد. هدف معناشناسی، روشمند کردن مطالعه و بررسی متون و کلام است. از دیدگاه این علم، کلام مجموعه‌ای منسجم است و معناشناس بررسی این انسجام را در کلام بر عهده دارد. *ایزوتسو* محقق و اسلام‌شناس ژاپنی، نخستین کسی است که به پیوستگی نظام‌مند و ارگانیک میان واژگان کلیدی قرآن با استفاده از روش معناشناسی برای کشف جهان‌بینی معناشناختی قرآن پرداخته‌است. او بر این باور بود که مفاهیم کلیدی قرآن از یک نوع پیوستگی سیستماتیک و نظام‌مند برخوردارند که می‌توان برای هر یک از آن‌ها میدان‌هایی

در نظر گرفت که اصطلاحاً به آن‌ها، میدان‌های معناشناختی می‌گویند. در این پیوستگی سخن از آیه و سوره نیست؛ بلکه سخن از مفاهیم و کلمات و تعیین جای‌گاه آن‌ها در کنار استعمال کلمات دیگر قرآنی است. این علم در روند شکل‌گیری خود، مکاتب و روش‌هایی را پیدا کرده‌است که هر یک با ابزاری خاص به کاوش معنا می‌پردازند. رویکرد پژوهش حاضر، معناشناسی هم‌زمانی است. در معناشناسی هم‌زمانی عامل زمان لحاظ نمی‌گردد و صرفاً تفاوت‌ها و تمایزهای میان معانی مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ بدین منظور، معنای واژه را در محیط قرآنی مورد مذاقه قرار داده و روابط معنایی آن‌ها را با واژگان هم‌نشین و جانشین بررسی می‌کند. این پژوهش بر آن است تا بافت برون‌کلامی سوره را از جهت مکی یا مدنی بودن سوره، فضا و شأن نزول سوره، فضائل و خواص سوره و اسم سوره، مورد مذاقه قرار داده، بافت درون‌کلامی سوره را نیز با تحلیل ارتباط معنایی واژگان کلیدی سوره در دو محور هم‌نشینی و جانشینی و نیز بررسی سیاق آیات با توجه به عوامل پیوستگی لفظی و معنایی، به تبیین مؤلفه‌های معنایی سوره پرداخته و در نهایت به غرض سوره دست یابد، سپس ساختار ساده، نظاممند و معناداری را برای آن ترسیم نماید.

### اهمیت و ضرورت موضوع

یکی از مباحث برجسته علوم قرآنی، مسئله تناسب و پیوستگی آیات است و مهم‌ترین فایده‌ی آن کمک به فهم و تفسیر پیوسته قرآن است. این علم خود بر درک و تبیین دقیق واژگان استوار است و علم معناشناسی می‌تواند به استخراج معنای نهفته در متن، تفسیر دقیق آیات و غرض سوره پردازد. از سوی دیگر، پراکندگی ظاهری آیات در یک سوره، دست‌آویزی برای مستشرقان فراهم آورده که در آثار خود، بر بی‌نظمی و آشفتگی قرآن

طعن زنند؛ از این رو، اثر حاضر افزون بر موارد ذکر شده می‌تواند پاسخی به ایرادات مستشرقان در این حوزه باشد.

## اهداف

- ترسیم ساختاری روشن، ساده و دقیق از سوره فتح با روشی علمی و نوین یعنی معناشناسی، به منظور تسهیل امر فراگیری و درک اغراض سور برای قرآن‌پژوهان و علاقمندان به مطالعات قرآنی.
- پاسخی علمی به شبهه‌افکنان نظم قرآن کریم با رویکرد کشف غرض اصلی سوره و ساختارشناسی سوره مبنی بر غرض اصلی سوره.

## سؤال‌ها:

- ۱- ساختار سوره فتح با توجه به بافت برون کلامی و بافت درون کلامی سوره کدام است؟
- ۲- بافت برون کلامی سوره فتح از کدام مقوله‌های معنایی تشکیل یافته‌است؟
- ۳- بافت درون کلامی سوره فتح از کدام مقوله‌های معنایی تشکیل یافته‌است؟
- ۴- جایگاه علم معناشناسی در یافتن غرض سوره چیست؟

## فرضیه‌ها

- ۱- در این سوره خداوند راهکارهای اساسی جهت اعتلای دین اسلام در جهان را با محوریت وقایع مربوط به صلح حدیبیه در هفت گفتار برای مسلمانان بازگو کرده‌است.

۲- با توجه به بافت بیرونی کلام، چنین حاصل شد که جنگ و صلح برای مؤمنان هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های مکتبی می‌باشد و تشخیص آن نیز بر عهده فردی است که در نقش رسول یا جانشینان او می‌باشد و در این راستا پیروی و اطاعت از چنین فردی است که جامعه اسلامی را به پیروزی در دنیا و آخرت رهنمون می‌سازد.

۳- با عنایت به بافت درون‌کلامی سوره می‌توان گفت اگر مؤمنان از اوامر خداوند و ولی‌امر او اطاعت همه‌جانبه داشته باشند، به پیروزی بزرگ و نزدیک در این دنیا و بهشت خداوند در آخرت می‌رسند، ولی در صورتی که از اوامر الهی و رسول تخلف نمایند، به انواع عذاب‌های خوارکننده‌ی الهی در این دنیا و نیز جهان آخرت مبتلا می‌گردند.

۴- معاشناسی واژگان کلیدی سوره از جمله: الله، فتح، ایمان، رسول، سکینه، مخلفون و عذاب، با رویکرد توجه به هم‌نشین‌ها و جانشین‌های این کلیدواژگان، در رسیدن به غرض دقیق و اصلی سوره راهگشا است.

## بخش دوم: مفهوم شناسی

در این بخش برخی مفاهیم کاربردی در این تحقیق از قبیل معناشناسی و تاریخچه مختصری از آن، معناشناسی در زمانی، معناشناسی همزمانی و روش‌های مختلف آن، ساختارشناسی، مبانی ساختارشناسی و سبک‌های مختلف ساختارشناسی توضیح داده می‌شود.

### معنا شناسی

قرآن به عنوان منبع لایزال معارف، دارای سطوح و لایه‌های مختلفی است و در آموزه‌های اسلامی بر بهره‌گیری از همه‌ی این سطوح و لایه‌های معنایی تأکید شده‌است. دانشمندان و پژوهش‌گران قرآنی برای کشف فضاها و جنبه‌های مختلف معارف قرآن، در هر دوره از ابزار و وسایل خاصی استفاده می‌کرده‌اند. در دوره معاصر با آغاز روش‌های نقد ادبی، زبان‌شناسی و معناشناسی، ابزارهایی جدید، متفاوت و با کاربردهای نو در جهت اکتشاف معارف بی‌کران قرآن در اختیار ما قرار گرفته‌است. در این میان، معناشناسی جایگاهی خاص دارد و در مطالعات قرآنی بسیار به کار می‌آید. هرچند متن قرآن سرشار از پیچیدگی‌های زبانی و معنایی است که در زمانی مشخص و بستر فرهنگی-تاریخی خاص نازل شده‌است، اما بنا به اعتقاد رایج حوزه مباحث تفسیری، نوع بیانش زمان-مند و مکان‌مند است و برای همین در چهارچوب‌های حاکم بر فضای نزولش محدود نشده‌است و زیر چتر هیچ فرهنگ یا قومیتی نرفته، اما آنها را نیز در بیان خویش لحاظ کرده‌است. از سویی دیگر، ویژگی این متن آن است که کمتر به موضوعی یک‌جا و در کنار هم پرداخته‌است، بلکه هم به دلیل حکمت الهی و هم به دلیل سیر تاریخی نزولش که در مناسبت‌ها و موقعیت‌های مختلف در طی مدت ۲۳ سال آرام‌آرام شکل گرفته، هر بار و در هر بخش یا سوره، به موضوعات متنوعی پرداخته‌است (مطیع و دیگران، ۱۳۸۸ش، ص:



۱۰۷). حاصل این گونه شکل‌گیری، توزیع موضوعات در سراسر متن است، پس اگر کسی بخواهد معنای خاصی از قرآن را کشف کند، باید نگاهی کلی‌نگر به همه متن داشته باشد و هر زاویه معنا را در گوشه‌ای از ساحت‌های قرآن جستجو کند (مطیع و دیگران، ۱۳۸۸ش، ص: ۱۰۸).

معناشناسی یکی از روش‌های نوین در مطالعات قرآنی است که به استخراج معنای نهفته در متن می‌پردازد. معناشناسی زبانی (linguistic Semantics) شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه علمی معنا در زبان طبیعی می‌پردازد (پالمر، ۱۳۶۶ش، ص: ۵). این گونه از معناشناسی به اعتبار نوع مطالعه معنا، به معناشناسی نظری یا معناشناسی خاص و کاربردشناسی تقسیم‌پذیر است (قائم‌نیا، ۱۳۸۹ش، ص: ۱۷۴). در قسم نخست، از معنای واژه‌ها و جملات درون نظام زبان بحث می‌شود و توجه معطوف به خود زبان است و معناشناس به شیوه نظری و با ره‌یافت بازنمودی به دنبال چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک معنا از طریق زبان است؛ اما در کاربردشناسی، از معنای واژه‌ها و جملات با توجه به بافت درون‌زبانی و بافت برون‌زبانی که جمله در آن اظهار شده‌است و با توجه به قصد گوینده بحث می‌شود (همان).

معناشناسی زبانی نوین به لحاظ پیشینه به آرای زبان‌شناختی سوسور باز می‌گردد. جریان‌های معناشناسی جدید را می‌توان در دو مقطع تاریخی بررسی کرد. مجموعه جریان‌هایی که از اوایل قرن بیستم شروع می‌شود و تا دهه‌ی پنجاه ادامه می‌یابد و تحت عنوان «جریان‌های متقدم» از آنها نام برده می‌شود و جریان‌هایی که از دهه ۱۹۶۰ به بعد شروع می‌شود و آنها را «جریان‌های متأخر» می‌نامند. امروزه جریان‌های متقدم فقط ارزش تاریخی دارند، به عبارتی در درک معناشناسی جدید به ما کمک می‌کنند، ولی این جریان‌ها دیگر مکاتبی فعال و زنده نیستند که نمایندگان داشته باشند. در سه منطقه اروپای غربی، به طور خاص فرانسه و دانمارک، اروپای مرکزی شامل کشورهای آلمان و برخی از کشورهای

اروپای شرقی و مناطق آنگلو ساکسون در انگلستان و آمریکا، می‌توان نظریه‌های معناشناسی را دید. نظریه‌های معناشناسی در اروپای غربی تقریباً یک روند خطی را طی کرده‌است و حس می‌شود که در تکمیل و اصلاح دیدگاه سوسور بوده‌است. از آنجا که سوسور سوئیسی بوده نظریه‌های معنا در این منطقه تحت تأثیر دیدگاه‌های او بوده‌است (پاکتچی، ۱۳۸۷ش، ص: ۹۴). سوسور معتقد بود معنا زائیده تقابل واژه‌ها درون نظام زبان است و واژه‌ها همانند مهره‌های شطرنج درون بازی‌های واژگان ارزش معنایی می‌یابند و بیرون از زبان معنایی وجود ندارد (پالمر، ۱۳۶۶ش، ص: ۱۲۴). او به گونه‌ای معنا را حاصل روابط و بافت درون‌زبانی می‌دانست. /نروتسو نیز با تأثیرپذیری از آرای سوسور به معناشناسی قرآن پرداخته‌است.

جریان‌های متقدم هنوز از بین نرفته‌است، ولی امروزه دیگر طرفدار ندارد. فعالیت‌هایی که امروز انجام می‌شود و به منزله جریان‌های متأخر شناخته می‌شود، عمدتاً فعالیت‌های جدیدی است که از دستاوردهای مکاتب قبلی استفاده می‌کند. از جمله مکاتب متأخر می‌توان مکتب پاریس را نام برد که در دهه‌ی ۱۹۶۰ در فرانسه شکل گرفت. بنیان‌گذار این مکتب آلژیرداس گریماس (د. ۱۹۹۲م) است که در سال ۱۹۶۶ کتابی در ارتباط با معناشناسی در پاریس منتشر کرد که باعث تحول جدیدی در معناشناسی فرانسه شد. عنوان این کتاب «معناشناسی ساختاری» است. از نظر گریماس باید دو علم «نشانه‌شناسی» و «معناشناسی» را با هم ترکیب نمود و آن را «سمیوتیک» نامید. زبان‌شناسی فرانسه زمانی موفق شد معنا را مطالعه کند که از آموزه‌های سوسور فاصله گرفت و در آن تجدید نظر کرد (پاکتچی، ۱۳۸۷ش، ص: ۱۰۹). یکی از تحولات مهم حوزه معنا در مکتب پاریس این است که بحث ارتباط را وارد معنا کرد و بر این نکته پافشاری کرد که در هر بیانی همیشه در یک طرف فرستنده و در طرف دیگر گیرنده قرار می‌گیرد و معنا در این ارتباط ساخته می‌شود. معناشناسان متقدم بر این نکته تأکید داشتند که مطالعه فرد اصلاً جزء برنامه

معناشناسی نیست. ما با فرد کار نداریم، بلکه فقط با فکر جمعی کار داریم. اما افرادی مثل گریماس بر این عقیده بودند که اول و آخر، افراد معنا را درک می‌کنند، اگر فرد را در مطالعه معنا حذف کنیم، در واقع درباره یک انسان فرضی صحبت می‌کنیم که کسی به او دسترسی ندارد (همان، ص: ۱۱۱).

یکی دیگر از جریان‌های معناشناسی متأخر، جریان معناشناسی روسیه است. در روسیه از دهه‌ی ۶۰ به بعد تحولات زیادی در معناشناسی پدید آمد. شخصیت بسیار کلیدی در این جریان ویگوتسکی (د. ۱۹۳۴ م) است که زبان- روان‌شناس بوده‌است. حدود ۷۰ درصد مطالعات معناشناسی دهه‌های اخیر در روسیه با رویکرد روان‌شناسی زبانی است. جریان‌های معناشناسی آنگلو ساکسون از جریان‌های معناشناسی قابل توجه در عصر حاضر است؛ از جمله: مطالعه معنا با رویکرد اجتماعی یا فرهنگی، معناشناسی شناختی، معناشناسی تفسیری. در این جریان اولین گام را انگلیسی‌ها برداشته و در امریکا ادامه یافته‌است. معناشناسان تفسیری امریکایی می‌گویند ما همیشه با چالش وضوح و ابهام در معنا مواجهیم. یعنی هر معنایی هرچقدر هم واضح باشد، باز هم در آن ابهام وجود دارد. در نتیجه، مطالعه معناشناسی بر روی ابهام‌های معنایی متمرکز است. این ابهام در دو سطح وجود دارد. یکی در سطح واژه و دیگر در سطح ساختار نحوی. مکتب تفسیری این دو سطح را جدا می‌کند و عملاً مطالعه معنا را توسعه می‌دهد. مطالعه معنا که قبلاً فقط در سطح واژه دیده می‌شد، در سطح جمله دیده می‌شود. حتی واژه هم در سطح جمله مطالعه می‌شود. این مکتب معتقد است که نمی‌توان یک واژه را به تنهایی و خارج از جمله مطالعه کرد. بلکه واژه به اعتبار جمله و متنی که در آن به کار رفته‌است، معنا پیدا می‌کند. از همین جا معناشناسان تفسیری وارد بحث مؤلفه‌های معنایی می‌شوند. مؤلفه‌های معنایی یعنی معنا را به اتم‌های آن تجزیه کردن (پاکتچی، ۱۳۸۷ش، صص: ۱۱۳-۱۱۴).

با همه اینها، در دهه‌های اخیر بحث بر سر این بوده‌است که نظام زبان یک سیستم مداربسته نیست که با بیرون خود هیچ ارتباطی نداشته‌باشد و معنا چیزی نیست که تنها در درون متن تولید شود. مهم‌ترین نظریه‌ای که در این باب مطرح است، اصل بینامتنی (Intertextuality) است که بر روابط متون با یکدیگر تأکید دارد و به صورت یک اصل مسلّم در معناشناسی، فرایندی علمی و سازمان‌یافته در مطالعه معناست که از مفاهیم واژه‌ها و روابط معنایی آنها آغاز و با کاربردشناسی و روابط بینامتنی تکمیل می‌شود. یعنی، در معناشناسی نه تنها نیازمند توجه به بافت درونی و بافت بیرونی کلام هستیم، شناخت همه لایه‌ها و زوایای معنایی متن در گرو توجه به روابط بینامتنی است و آن ارتباط معنایی متن با متون دیگر است و برای یافتن همه دلالت‌های متن، باید آن را در پرتو نظام-های نشانه‌ای دیگر بررسی و تفسیر کرد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۸ش، ص: ۴۳۶). لذا معناشناسی کار کشف ساز و کارهای معنا را با مطالعه‌ای علمی بر عهده دارد (صفوی، ۱۳۷۸ش، ص: ۳۱). نظریه‌های معناشناسی، متن یا کلام را مجموعه‌ای معنادار می‌داند که می‌توان به مطالعه آن پرداخت. راه پیشنهادی معناشناسی برای دستیابی به چنین مجموعه‌های معناداری، در نظر گرفتن سطوح گوناگون برای متن (شعیری، ۱۳۸۸ش، ص: ۶) و هدف آن روش‌مند کردن مطالعه و بررسی متون و کلام است (بی‌برویش، ۱۳۷۴ش، ص: ۸۳). معناشناسی بر پایه دو اصل جانشینی و همنشینی به مطالعه معانی اساسی و نسبی می‌پردازد. معنای اساسی آن است که در نتیجه‌ی وضع برای لفظ پیدا می‌شود و معنای نسبی آن است که یک عنصر زبانی از قرار گرفتن در نظام تصویری و بافت زبانی خاص به خود می‌گیرد (ایزوتسو، ۱۳۶۱ش، صص: ۱۴-۱۵). معنای اساسی کلمات، زمینه پیدایش معانی نسبی کلمات را فراهم می‌آورد که در نتیجه پیدایش وضع خاص در میدان معنایی خاص برای کلمه فراهم می‌آید. برای مثال کلمه «یوم» در قرآن که به معنی «روز» است، پس از آن که با واژگانی چون «قیامت»، «بعث»، «حساب و دین» در یک حوزه تصویری قرار می‌گیرد، بار معنایی ویژه‌ای که رنگ

آخرتی دارد پیدا می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۶۱ش، ص: ۱۷). در معناشناسی زبانی، مطالعه معنای واژگان افزون بر مجاری قاموسی و منابع لغت، از طریق کشف روابط معنایی واژگان با رویکرد هم‌زمانی با مرکزیت میدان‌های معنایی صورت می‌گیرد و تأکید بر این است که واژه در برش تاریخی ویژه و در فضای کاربرد آن در میدان معنایی ویژه، از چه معنایی برخوردار است. در معناشناسی بیشتر تمرکز بر نظام زبان است و معنای قاموسی تنها زمینه ساز ورود به نظام معنایی است و ما زمانی می‌توانیم در فضای متن استعاری گام استوار برداریم که معنا را در بافت زبانی و فرازبانی متن ببینیم (همان، ص: ۲۷).

### معناشناسی در زمانی

سوسور در اولین اصل نظریه خود بین مطالعه در زمانی یعنی مطالعه تحول زبان در طول زمان و مطالعه هم‌زمانی یعنی مطالعه نظام زبانی در وضعیتی خاص و بدون در نظر گرفتن زمان، تمایز نهاده است. در جایی که زبان‌شناس به دنبال شناخت یک زبان در مقطع زمانی خاص بدون در نظر گرفتن گذشته آن است، مطالعه‌ای «هم‌زمانی» را انجام داده است و در جایی که پدیده‌های زبان را در لایه‌های متوالی و مقاطع و دوره‌های مختلف زمانی بررسی کند، مطالعه وی «در زمانی» خواهد بود (باقری، ۱۳۷۸ش، ص: ۳۶). در مطالعات در زمانی، عنصر زمان مورد تأکید است و در این گونه بررسی، مجموعه‌ای از کلمات به طور مستقل از هم توسعه و تضییق می‌یابند. گاه واژه‌ای کاربرد آن متوقف شده و واژه‌های دیگر رواج و استعمال بیشتری می‌یابند. از این رو هر واژه دارای تاریخی است که فراز و فرودهایی دارد (ایزوتسو، ۱۳۶۱ش، صص: ۳۹-۴۰).

### معناشناسی هم‌زمانی

از نظر سوسور واژه در زبان تابع تاریخ است، اما تحلیل واژه باید غیر تاریخی باشد. از این رو، توصیف هم‌زمانی زبان بر تحلیل تاریخی آن برتری دارد. زیرا واژه به لحاظ

روابطش با سایر واژه‌ها تعریف می‌شود و روابط معتبر آنهایی هستند که در مقطع زمانی خاصی حضور دارند. از آنجا که زبان موجودیتی کاملاً تاریخی و همواره در حال تغییر است، برای تعریف عناصر آن باید به روابطی توجه داشت که در وضعیتی ویژه و هم‌زمانی پدید می‌آیند (باقری، ۱۳۷۸ش، ص: ۳۶). در مقابل گونه‌ی درزمانی، گونه هم‌زمانی فاقد عنصر زمان است. اگر جریان تاریخ را به صورت افقی در دوره‌ای قطع کنیم، مقطعی حاصل می‌شود که می‌توان آن را به شکل سطحی هموار که از تعدادی کلمات تشکیل شده‌است در نظر گرفت که در جریان زمان این کلمات تا آن نقطه به حیات خود ادامه داده‌اند. این کلمات ممکن است تاریخی کهن داشته باشند، یا حتی هیچ تاریخی نداشته باشند. دیدگاهی که حاصل برش خطوط تاریخی واژگان است و ناظر به دستگاه و نظام ایستایی از واژگان است را بررسی هم‌زمانی می‌گویند که در آن، جریان تاریخ همه واژه‌های یک زبان متوقف شده‌است (ایزوتسو، ۱۳۶۱ش، صص: ۳۹-۴۰). روش‌های مختلفی برای معناشناسی هم‌زمانی واژگان مطرح شده‌است که بر اساس آن، یک واژه ارزش تجزیه و تحلیل معنایی پیدا می‌کند که این موارد هم‌وزن نیستند و در میان آنها برخی از موارد از اهمیت بیشتری برخوردارند.

### انواع روش‌های معناشناسی هم‌زمانی

معناشناسی هم‌زمانی واژگان به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. برخی از این روش‌ها عبارتند از:

#### رابطه همنشینی

رابطه همنشینی رابطه‌ای از نوع ترکیب میان الفاظی است که در زنجیره کلامی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند (بی‌برویش، ۱۳۷۴ش، ص: ۳۰) به بیان دیگر، ساختن یک عبارت مستلزم رعایت قوانین خاصی است تا آن عبارت دارای مفهوم روشنی باشد. از این‌رو، رابطه

همنشینی را «رابطه نحوی» نیز می‌گویند (باقری، ۱۳۷۸ش، ص: ۴۳). هدف اصلی در همنشینی، به هم پیوستن مفاهیم و تصوّرات فردی هر واژه است. به عبارت دیگر، کلمات در قرآن تنها و جدای از یکدیگر به کار نرفته‌اند؛ بلکه در ارتباط نزدیک با یکدیگرند و معنای خود را از مجموع دستگاره ارتباطی که با هم دارند، به دست می‌آورند (ایزوتسو، ۱۳۶۱ش، صص: ۵-۶). در نتیجه در تجزیه و تحلیل تصوّرات کلیدی فردی که در قرآن کریم است، هرگز نباید روابط متعددی را که هر یک از آنها با دیگر واژگان در کل متن دارند، از نظر دور ساخت (همان، ص: ۶). ایزوتسو در تعریف این قاعده می‌گوید: گاه معنای دقیق یک واژه از روی بافت آن و از راه توصیف لفظی روشن می‌گردد که به آن تعریف بافتی (متنی) می‌گویند. ایزوتسو آن را ساده‌ترین موردی می‌داند که به واسطه آن یک آیه یا یک عبارت از لحاظ معنایی اعتبار پیدا می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۷۸ش، ص: ۷۴). لذا در معناشناسی هم‌زمانی بر اساس بافت زبانی، معنای یک واژه را می‌توان از همنشینی واژگان دیگر با واژه مورد نظر و نیز روابط معنایی آنها در یک محور افقی به دست آورد.

رابطه همنشینی اشکال مختلفی دارد که بر پایه ساختار نحوی بین دو همنشین برقرار می‌گردد. رابطه مکملی رابطه‌ایست که بر پایه ساختار نحوی بین دو همنشین برقرار می‌گردد. مانند ارتباطی که بین فعل و دیگر اعضای جمله فعلیه از قبیل مبتدا و خبر، مضاف و مضاف‌الیه وجود دارد. رابطه اشتدادی (هم‌معنایی، شمول معنایی)، رابطه‌ی دو مفهومی است که مؤلفه معنایی مشترک دارند و در مقام تقویت و معاضدت یکدیگرند. البته هم‌پوشانی این دو معنا گاه نسبی و گاه کامل است. رابطه تقابلی یا تضاد بین دو مفهومی است که مؤلفه‌های معنایی مشترک دارند، ولی یکدیگر را نقض کرده و در مقام تضعیف و نفی یکدیگر هستند (سلیمان‌نژاد، ۱۳۹۱ش، صص: ۱۶-۱۷).

### رابطه جانشینی

یکی دیگر از شیوه‌های بیان معنا، جانشینی مفهوم کانونی با دیگر واژگان است. رابطه جانشینی، رابطه‌ای از نوع انتخاب و جای‌گزینی میان هریک از الفاظ یک زنجیره کلامی با الفاظی است که می‌توانند جایگزین آن شوند (بی‌برویش، ۱۳۷۴ش، ص: ۳۱) و می‌توان این واژگان را به عنوان مترادف‌های آن مفهوم در نظر گرفت (نکونام، ۱۳۹۰ش، ص: ۳۵۳). در تعریفی دیگر، رابطه جانشینی به ارتباط اجزایی گفته می‌شود که لزوماً حضور فیزیکی در یک زنجیره گفتاری ندارند، بلکه در زنجیره‌ای حافظه‌ای درک می‌شوند و در ورای گفته‌ها و جملات حضور دارند (فکوهی، ۱۳۸۶ش، ص: ۱۸۷). به بیان دیگر، اجزای یک عبارت علاوه بر روابط ظاهری که با یکدیگر دارند، هریک با اجزای دیگری نیز رابطه دارند که در آن ارتباط خاص حاضر نیستند. در اینجا وجود یکی از اجزاء، مانع حضور اجزای دیگر می‌شود؛ به همین دلیل، به رابطه‌ی هریک از اجزای پیام با دیگر اجزای مقوله‌ی دستوری خود که می‌توانند به جای یکدیگر بیابند و معنای جمله را تغییر دهند، رابطه‌ی جانشینی می‌گویند (باقری، ۱۳۷۸ش، صص: ۴۲-۴۳)؛ بدین ترتیب میان الفاظ معناهای یک زنجیره کلامی، دو رابطه افقی و عمودی برقرار است. رابطه افقی همان رابطه همنشینی- ترکیبی است و رابطه عمودی، رابطه جانشینی- انتخابی- میان لفظ و معناهای زنجیره کلامی با لفظ معناهایی است که می‌توانند جایگزین آنها شوند (شریفی، ۱۳۹۴ش، صص: ۱۹۷-۱۹۹). آنچه ما را در یافتن واژه‌های جانشین یاری می‌کند، توجه به مؤلفه‌های معنایی مشترک میان دو واژه‌ای که به عنوان جانشین یکدیگر انتخاب شده‌اند و هیأت و ساختار ترکیبی مشابه است (فتاحی‌زاده، امینی، ۱۳۹۳ش، ص: ۵۸). لذا جانشین یک کلمه تنها واژه‌ای از همنشین‌های واژه‌های همنشینش می‌تواند باشد که هم تشابه معنایی داشته‌باشد و هم دارای همان رابطه نحوی باشد که آن همنشین نسبت به آن کلمه دارد. هنگامی که واژه «الف» جانشین واژه «ب» در بافتی یکسان و یا در بافتی که از لحاظ ساختمان صوری مشابه است



می‌شود، خواه برد استعمال آن بیشتر یا کمتر از واژه «ب» باشد، این جانشینی به بررسی مقوله معنایی هر دو واژه به عنوان واژه‌های مترادف کمک می‌کند (ایزوتسو، ۱۳۷۸ش، صص: ۴۱۴-۴۱۹). به این معنا که به جای واژه‌ای که در یک جمله به کار رفته‌است، می‌توان واژه دیگری را به کار برد و جانشین آن کرد که به آن رابطه جانشینی می‌گویند.

### رابطه تقابلی

ساخت معنایی یک واژه از روی متضاد آن معلوم می‌شود. گاهی دو واژه مختلف در تقابل با واژه سومی به کار رفته‌اند. مثل واژه «کافر» که معمولاً در تضاد با «مؤمن» به کار می‌رود، اما واژه دیگری نیز هست که در بسیاری از جاهای قرآن در تضاد با «مؤمن» به کار رفته‌است و آن واژه «فاسق» است. چون این واژه متضاد «مؤمن» است و نیز در همان موضعی قرار گرفته‌است که «کافر» قرار دارد، پس ناچار باید به صفت نکوهیده شخص در ارتباط با مسائل دینی راجع باشد و با توجه به قرائن، کسی را توصیف کند که دید و نظر دشمنانه‌ای نسبت به خداوند داشته‌باشد (ایزوتسو، ۱۳۷۸ش، صص: ۷۷-۷۸).

### حوزه‌های معنایی

حوزه‌های معنایی را می‌توان مجموعه‌ای از واحدهای معنایی به شمار آورد که در یک وجه مشترک گرد آمده‌اند. به بیانی دیگر اشتراک در یک شرط لازم سبب طبقه‌بندی واحدهای معنایی در یک حوزه معنایی می‌شود. اعضای یک حوزه معنایی واحدهای یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند که در رابطه متقابل با یکدیگرند. به هر مجموعه‌ای از روابط معنایی دارای طرح در میان دسته‌های مختلف واژه‌های یک زبان حوزه یا میدان معنایی می‌گویند. به عنوان نمونه در فارسی این نوع روابط را میان واژه‌های باد، دمیدن و وزیدن می‌توان مشاهده کرد. چنین خوشه‌های معنایی در همه زبان‌ها وجود دارند. یک واژه به‌ندرت می‌تواند از واژه‌های دیگر کنار بماند و به هستی خود به تنهایی ادامه دهد. برعکس، واژه‌ها

در همه جا گرایش شدید به ترکیب با برخی از واژه‌های دیگر در بافت‌های کاربردی خود نشان می‌دهند. هر واژه‌ای برای خود یاران گزیده دارد، تا آنجا که سراسر واژگان یک زبان به صورت شبکه پیچیده‌ای از گروه‌بندی‌های معنایی بیرون می‌آیند. /یزوتسو باز کردن این شبکه پیچ‌درپیچ را یکی از وظایف مهم معناشناس می‌داند. به عنوان مثال در قرآن مفعول دستوری واژه «افتراء» اغلب اوقات واژه «کذب» است و این دو گروهی جداناپذیر را تشکیل می‌دهند. به این دو واژه «ظالم» نیز ملحق می‌شود. در حقیقت عبارت «چه کسی ظالم‌تر است از آن که به خداوند افترای دروغ می‌بندد» در قرآن مجید یک مجموعه عبارتی را تشکیل می‌دهد و همین روشن می‌سازد که سه واژه «افتراء»، «کذب» و «ظلم» یک گروه یا ترکیب یا حوزه معنایی را به وجود می‌آورند (همان، صص: ۸۰ - ۸۱).

در تحقیق حاضر، واژگان کلیدی سوره «فتح» شامل الله، فتح، ایمان، رسول، سکینه، مخلفون و عذاب بر اساس توجه به روابط همنشینی مکملی، اشتدادی و تقابلی و نیز واژگان جانشین مورد بررسی معناشناسانه قرار می‌گیرند.

### ساختارشناسی

قرآن کریم با سبک و روش خاصی که در گزینش عبارات و چینش آیات برگزیده- است، خواننده خویش را به تفکر و تأمل برای درک معانی و مقاصد آیات واداشته و آنان را در فرآیند یادگیری فعال می‌کند. در گزینش واژه‌ها، ظرافت‌ها و لطافت‌های خاصی را به کار برده، واژه‌های به ظاهر مترادف در جای دیگری و با ده‌ها شیوه دیگر اعمال می‌گردد و از این طریق نکته‌های بسیاری را در ذهن خواننده‌ی متفکر می‌پروراند (خامه‌گر، ۱۳۸۶ش، ص: ۲۸). اسلوب دیگری که قرآن برای فعال کردن خواننده‌ی خویش برگزیده، در نحوه چینش آیات است. آیات هر سوره در نگاه اول پراکنده و بی‌ارتباط با هم به نظر می‌رسند، اما خواننده به تدریج با دقت در روابط آیات و کشف ارتباط بین اجزای

تشکیل دهنده یک سوره، به سازمان‌دهی آن‌ها پرداخته و به درک مفاهیم نائل می‌گردد. این روش یادگیری در روان‌شناسی جدید به روش «گشتالتی»<sup>۱</sup> معروف است (همان، ص: ۲۹). یادگیری در این مکتب عبارت از «کشف روابط بین اجزای تشکیل‌دهنده‌ی یک موقعیت کلی است. بنابراین عنصر اصلی یادگیری بینش یافتن و هدف آموزش ایجاد توانایی درک مفاهیم در فراگیر است تا بدین وسیله قدرت سازمان‌دهی در امور و تفکر منطقی را کسب نماید» (شالچیان، ۱۳۷۳ش، ص: ۱۷۷).

طرف‌داران نظریه‌ی گشتالتی با تکیه بر این اصل توانسته‌اند خدمات ارزنده‌ای به تعلیم و تربیت جهانی ارائه دهند. آنان معتقدند اجزاء به تنهایی بی‌معنی و نامفهوم هستند و زمانی که در یک طرح یا زمینه قرار گیرند، معنی و مفهوم می‌یابند. مانند حروف «ب-ر-ف» که به-تنهایی فاقد معنی هستند، ولی وقتی در قالب کلمه «برف» عرضه شوند، معنی‌دار می‌شوند. البته ممکن است برخی از اجزاء به تنهایی نیز دارای معنای مستقلی باشند- مانند کلمات یک جمله- اما به‌طور کلی ترکیب زمانی و مکانی اشیاء و معانی، مجموعه‌ای را به وجود می‌آورند که مفردات فاقد آن کیفیت می‌باشند (خامه‌گر، ۱۳۸۶ش، ص: ۲۹). بر همین اساس آنان معتقدند که «اگر در آموزش به جزئیات توجه شود، یادگیری به‌طور کامل حاصل نخواهد شد و اصولاً یادگیری ناشی از نگرش کلی بر پدیده‌ها و ایجاد ارتباط بین اجزای پراکنده است» (شالچیان، ۱۳۷۳ش، ص: ۱۷۷).

نظریه «ساختار هندسی سوره‌ها» با کشف روابط بین آیات، سازمان‌دهی آن‌ها در یک طرح کلی و تحت اشراف یک غرض واحد، یکی از اسلوب‌های بیانی قرآن را به نمایش

۱. منظور از گشتالت که یک اصطلاح آلمانی است، شکل، انگاره یا طرح است. اما معنای این اصطلاح در روانشناسی گشتالت آن است که کل از اجزای تشکیل‌دهنده آن بیشتر است. یعنی کل دارای خواص یا ویژگی‌هایی است که در اجزای تشکیل‌دهنده آن یافت نمی‌شود و از خیلی جهات کل تعیین‌کننده خصوصیات اجزاء است، نه برعکس (هرگنهان، ۱۳۸۲ش، صص: ۲۷۸-۳۱۰).

می‌گذارد. این اسلوب با آخرین کشفیات و پژوهش‌های متخصصان تعلیم و تربیت منطبق بوده و چند گامی نیز از آنان جلوتر است. در این روش، فراگیر برای کشف روابط اجزاء، به فعالیت و تکاپو افتاده و با مشارکت فعال در فرآیند یادگیری، یافته‌های خویش را تعمیق می‌بخشد. براین اساس است که ترسیم ساختار هندسی سوره‌ها می‌تواند پرده‌ای دیگر از چهره زیبای قرآن را به کناری زده و اعجاز قرآن را در شیوه آموزش و انتقال مفاهیم به خوانندگان به نمایش گذارد (خامه‌گر، ۱۳۸۶ش، ص: ۳۰).

هر سوره از قرآن کریم دارای جان و روحی است که در کالبد آیات آن سوره جریان دارد و این روح بر مبانی و احکام و اسلوب آن سوره سلطه و اشراف دارد. معانی و مفاهیم قرآن کریم باید از این منظر و روش نگریسته شود و این روش برای مطالعه و بررسی قرآن-کریم سودمندتر از آن است که آیات آن یکی پس از دیگری مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند. اگر کسی جمله‌ها و آیات یا کلمات و یا احیاناً حروف آن‌ها را نیز مورد مطالعه و بررسی قرار دهد، تا از رهگذر چنین مطالعه‌ای سراسر آن را اجمالاً یا تفصیلاً بررسی کند، چنین مطالعه‌ای پریشان و از هم گسیخته نمی‌تواند به او در جهت بازیافتن شکوه و عظمت و زیبایی چهره و سیمای سوره مدد رساند (محمد مدنی، ۱۹۹۱م، ص: ۲۹). از این رو نظریه ساختار هندسی سوره‌ها بدون این که قرآن کریم را از سبک و اسلوب ویژه‌اش خارج سازد و یا جنبه هدایتی آن را تضعیف کند، گام مهمی برای فهم مقاصد قرآن و ترسیم اهداف آن برمی‌دارد و انسجام درونی و معجزه‌آسای سوره‌ها را نشان می‌دهد (خامه‌گر، ۱۳۸۶ش، ص: ۱۰۶). از این رو تفسیر ساختاری قرآن چنین تعریف شده است: سیر در متن قرآن در ضمن سوره و به دست آوردن یک هدف بر اساس بنای خاص لغوی که در ارتباط بین نص آیات و موضوعات و عناصر آن شکل می‌گیرد. بر این اساس یک سوره از قرآن، یک نص مرتبط با هم است که مقاطع موضوعات، عناصر و ادوات آن با هم ارتباط کامل دارند (ویلانت و راترود، ۱۳۸۶ش، صص: ۹۱-۱۱۶). برخی دیگر تفسیر ساختاری را چنین تعریف کرده‌اند:

کشف ارتباط بین آیات در پرتو غرض سوره (بستانی، ۱۴۲۶ق، صص: ۱۵-۲۶؛ علوی مهر، ۱۳۸۴ش، ص: ۳۶۶؛ خامه گر، ۱۳۸۶ش، ص: ۴۳). برای تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن، فوائد و نتایج بسیاری بر شمرده شده است؛ از جمله: کشف افق‌های جدید در اعجاز قرآن-کریم، مقابله با شبهه افکنی‌های خاورشناسان، دفاع از اصول اعتقادی شیعه در سایه ساختار هندسی سوره‌ها، آشنایی سریع و آسان با مفاهیم قرآن، ارائه ترجمه‌ای «پیوسته» و تفسیری از قرآن، آشنایی با روش طرح معارف دینی در قرآن، فهرست‌بندی سوره‌ها، هم‌چنین غرض سوره معیاری برای حل اختلافات تفسیری، شناخت اسباب نزول‌های جعلی و تعیین معنای «بسم الله» در هر سوره است (خامه گر، ۱۳۸۶ش، صص: ۲۷-۵۷).

### وحدت غرض

یکی از اصول نگاه ساختارشناسانه به سوره‌های قرآن، اعتقاد به اصل وحدت غرض سوره‌های قرآن است که روشی نوین از روش‌های تفسیری قرآن به‌شمار می‌رود. اصل انسجام در سخن یکی از بدیهی‌ترین اصول فصاحت و بلاغت است که هر سخنوری در رعایت آن سعی تمام و توجه وافر دارد. آیا ممکن است این اصل در قرآن کریم که در بلندترین قله فصاحت و اوج آسمان بلاغت قرار گرفته است رعایت نشده باشد؟! آیا اگر بگوییم هر سوره قرآن مشتمل بر موضوعات پراکنده و کاملاً نامأنوس است، به فصاحت و بلاغت آن لطمه زده‌ایم؟ آیا اگر بگوییم اعجاز قرآن در همین پراکنده‌گویی‌هاست، به انکار یک اصل مسلم بلاغی و بلکه فطری انسانی برنخاسته‌ایم (خامه گر، ۱۳۸۶ش، ص: ۹۸)؟! لذا اصل فصاحت و بلاغت آیات قرآن، وجود همبستگی بین آیات یک سوره و هماهنگی آنها را بر محور غرض مشخص، امری مسلم و بدیهی نشان می‌دهد

قرآن‌پژوهان در ترسیم چگونگی ارتباط آیات، نظرات متفاوتی ارائه کرده‌اند که می‌توان آنها را برحسب میزان ارتباط به چهار گونه دسته‌بندی کرد:

دیدگاه نخست: تناسب فقط بین آیاتی است که در یک مرحله نازل شده است. این نظریه در کتاب «روش برداشت از قرآن» چنین مطرح شده است: هیچ لزومی ندارد که تمام آیات یک سوره باهم ارتباط داشته باشند، بلکه تنها بین آیاتی که در یک مرحله نازل شده‌اند می‌توان به دنبال تناسب و ارتباط بود، زیرا شرایط نزول هر یک با دیگری متفاوت است. بنابراین اگر آیات یک سوره در پنج مرحله نازل شده باشند، پنج نوع ارتباط متفاوت بین آنها برقرار است و حتی ممکن است آیه‌ای به تنهایی نازل شده باشد و در این صورت هیچ‌گونه ارتباطی با آیات قبل و بعدش نداشته باشد. لذا درست کردن رابطه مصنوعی بین آیاتی که هیچ‌گونه ارتباطی باهم ندارند موجب فهم انحرافی از آیات شده و برداشت ناصحیح از آیه را به وجود می‌آورد (حسینی بهشتی، بی‌تا، صص: ۱۲-۱۵).

دیدگاه دوم: آیات همجوار با یکدیگر ارتباط دارند. ارتباط آیات قرآن فراتر از ارتباط موجود بین آیات باهم نازل شده است. بین کلیه آیات هم‌جوار در یک سوره ارتباط و مناسبت وجود دارد و وظیفه مفسر کشف این ارتباط شگفت‌انگیز است. سیوطی در «الاتقان» از قول شیخ ولی‌الدین مَلَوی می‌گوید: کسانی که به دلیل نزول پراکنده قرآن بر حسب وقایع مختلف، منکر وجود تناسب بین آیات هر سوره شده‌اند؛ دچار توهم‌اند. جان کلام این است که قرآن از لحاظ نزول بر حسب وقایع و رویدادهاست، اما از جهت ترتیب مطابق حکمت است. پس مصحف بر وفق لوح محفوظ ترتیب یافته و تمام آیات و سوره‌هایش توقیفی است و اسلوب و نظم شگفت‌انگیز آن معجزه‌ای است آشکار و آنچه در هر آیه پیش از هر چیز باید بحث شود این است که آیا آن آیه تکمیل‌کننده آیه قبلی یا مستقل می‌باشد. سپس بحث شود که وجه مناسب آیه مستقل با ما قبلش چیست (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص: ۲۱۶).

بدیهی است که اگر ارتباط آیات به دقت ترسیم گردد، می‌توان در پرتو این روابط لطایف و نکات تفسیری بسیاری را استخراج نمود و بر پندارهای ناروایی که از گسیختگی

ظاهری قرآن پدید می‌آید، خط بطلان کشید. چنین ارتباطی را می‌توان تنها به عنوان یکی از مقدمات نظریه ساختار هندسی سوره‌ها محسوب کرد، ولی هرگز معادل با آن نیست. در تناسب آیات، مفسر یا اصولاً توجهی به هدف و غرض اصلی سوره ندارد و یا حداکثر آن را مقدمه و ابزاری برای کشف روابط بین آیات می‌داند (خامه‌گر، ۱۳۸۶ش، ص: ۱۵).

دیدگاه سوم: هر سوره مشتمل بر چند موضوع جداگانه است. برخی مفسران که به ارتباط آیات هم‌جوار اعتقاد دارند، اما ساختار هندسی سور را نپذیرفته‌اند، با دسته‌بندی کردن و عنوان‌گذاری هر مجموعه از آیات سعی نموده‌اند انتقال مفاهیم و پیام‌های سوره را برای خواننده آسان نمایند. این گروه عملاً پذیرفته‌اند که هر سوره دارای موضوعات متنوعی است و هر موضوع بخشی از آیات را به خود اختصاص می‌دهد. آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی در «تفسیر نمونه» این روش را برگزیده است. وی در ابتدای هر سوره، محتوای آن - را به چند بخش تقسیم کرده و در هر بخش عنوان کلی و آیات مربوط به آن را نوشته است. مثلاً در مورد سوره «ملک» می‌نویسد: سوره «ملک» از سوره‌های بسیار پرفضیلت قرآن می‌باشد و مسائل زیادی در آن مطرح شده که عمدتاً بر سه محور دور می‌زند، بحث‌هایی پیرامون مبدأ و صفات خداوند و نظام شگفت‌انگیز خلقت، بحث‌هایی پیرامون معاد و عذاب دوزخ و انذار و تهدید کافران و ظالمان به انواع عذاب‌های دنیا و آخرت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۴، ص: ۳۱۱).

ایشان درباره مبنای علمی چنین روشی می‌گوید: «سوره‌های قرآن هم‌چون فصول منظم یک کتاب نیست که حتماً باهم رابطه داشته باشند، بلکه هرچند آیه به مناسبتی در یک واقعه و برطبق نیازمندی و احتیاج خاص نازل گردیده است. بدین ترتیب که هر حادثه‌ای اعم از: صلح، جنگ، ارتباط‌های خاص اجتماعی، مسایل اخلاقی و تربیتی پیش می‌آید، در همان مورد آیاتی مربوط به آن نازل می‌گردید» (همو، بی‌تا، ص: ۳۰۸). ایشان هماهنگی قرآن را تنها در زمینه محتوا و عدم تعارض بخش‌های گوناگون آن به هم لحاظ کرده است

(همان، ص: ۳۰۷). «التفسیر الواضح» نیز همین روش را در سرتاسر کتاب در پیش گرفته و محتوای هر سوره را فصل‌بندی کرده‌است (حجازی، ۱۳۸۶ق، صص: ۳-۱۳).

بدین ترتیب، روش دسته‌بندی آیات گرچه همان ساختار هندسی نیست، اما گام مؤثر و مهمی برای آماده‌سازی فضای عمومی پذیرش نظریه ساختار هندسی سوره‌ها به شمار می‌آید؛ زیرا کافی است پس از دسته‌بندی آیات حد جامع و مشترک بین آن‌ها را کشف کرد تا بتوان غرض اصلی سوره را از روابط آیات استخراج نمود (خامه‌گر، ۱۳۸۶ش، ص: ۱۸).

دیدگاه چهارم: هر سوره دارای یک جامعیت واحد است. قرآن‌پژوهان و مفسران متأخر به این نکته پی‌برده‌اند که هر سوره دارای یک جامعیت واحد است که در انسجام و به هم پیوستگی آیات نقش دارد. برخی از آنان از این حد جامع به عنوان «جان و روح سوره» یاد کرده‌اند (مدنی، ۱۹۹۱م، ص: ۵). نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها با کشف روابط بین آیات و سامان‌دهی آیات پراکنده در یک طرح کلی و تحت اشراف یک غرض واحد، یکی از اسلوب‌های بیانی قرآن را به نمایش می‌گذارد (خامه‌گر، ۱۳۸۰ش، ص: ۳۷).

بی‌شک قرآن کتاب هدایت است و هدف کلی آن راهنمایی نوع بشر به فلاح و رستگاری است و در این راه از روش خطابه و ارشاد سود می‌جوید. لکن هریک از سوره‌ها با پیش‌کشیدن موضوعات مختلف، گوشه‌ای از این هدف کلی را محقق می‌سازند. هر سوره یک غرض و هدف مشخص دارد که جان اصلی و روح حاکم بر آن سوره را به وجود می‌آورد و بر موضوعات به ظاهر پراکنده‌ی آن اشراف داشته و همه را با یکدیگر هماهنگ می‌کند (همو، ۱۳۸۶ش، ص: ۱۰۵). «وحدت موضوعی سوره‌های قرآن به این معنا می‌باشد که باید پیام سوره‌ها را اساس فهم آیات آن تلقی کرد؛ لذا لازم است موضوع سوره به عنوان محور و مدار فهم آیاتی مدنظر باشد که آن آیات در حول همان موضوع نازل شده‌است» (شحاته، ۱۳۶۹ش، ص: ۲۷). سید قطب (د. ۱۳۸۷ ه ق) برای ترسیم وحدت جامع و